



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۲۹	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۲۹
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث هفتم: علم اجمالی				
عنوان ۳	حجیت علم اجمالی در مقام امثال				
عنوان ۴	خاتمه مباحث علم اجمالی				
عنوان ۵	مطلب سوم: امثال اجمالی در صورت امکان امثال تفصیلی تبعی				

گفتیم در پایان مبحث امثال اجمالی، در خاتمه به چند مطلب می پردازیم. مطلب اول و دوم را بیان کردیم. بحث امروز در مطلب سوم است. در مطلب دوم گفتیم که با توجه به آنچه بیان کردیم که در موارد امکان امثال تفصیلی، امثال اجمالی جایز بوده و امکان امثال تفصیلی مانع از جواز امثال اجمالی نیست؛ لذا کسی که می تواند با تقلید و یا از طریق اجتهاد به علم تفصیلی دست پیدا کرده و امثال تفصیلی تکلیف را انجام دهد، مع ذلک می تواند احتیاط کرده و امثال تفصیلی را رها کند و امثال اجمالی انجام دهد.

البته بحثی در فقه داریم که اساساً بدون اجتهاد یا تقلید، آیا احتیاط یا امثال اجمالی عملاً ممکن است و یا ممکن نیست؟ این حرف دیگری است.

در مباحث فقه در آنجایی که بحث درباره تخیر عقلی ثلاثی بین اجتهاد و تقلید و احتیاط است، غالب فقها قائلند به اینکه مکلف عقلاً مخیر است در اینکه در امثال احکام شرعی راه اجتهاد را در پیش بگیرد یا تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید؛ که می گویند این تخیر، تخیر ثلاثی عقلی است.

در آنجا ما این بحث را داریم که گرچه این تخیر ثلاثی عقلی وجود دارد؛ ولی در عمل این تخیر ثلاثی عقلی امکان عملی ندارد مگر در موارد نادر؛ زیرا اگر کسی بخواهد امثال اجمالی و احتیاط انجام دهد، باید احتمالات در مورد را استقصاء کرده و بتواند احتمالات را تتبع کند. بدون استیعاب و تتبع در احتمالات موجود در موضوع خاص، نمی توان احتیاط کرد. احتیاط یعنی تمام احتمالات را انجام دهد تا احراز کند که تکلیف واقعی را انجام داده است. دستیابی به این احتمالات یا باید از راه تقلید باشد یا از راه اجتهاد. و یا در بسیاری از موارد، نحوه احتیاط، احتیاج به تقلید و یا اجتهاد دارد؛ مثلاً مثل همین که آیا تکرار در عبادت جایز است یا خیر؟ کسی که می خواهد احتیاط کند و این احتیاط متوقف بر تکرار در عبادت است؛ ابتدا باید این برایش احراز شود که تکرار در عبادت جایز است یا خیر؟ که باید یا اجتهاداً و یا تقلیداً به این نتیجه برسد؛ لذا این بحث دیگری است که آیا کسی در عمل می تواند نه اجتهاد کند و نه

تقلید کند و راه احتیاط را در امثال تکالیف در پیش گیرد یا خیر؟ اگر در عمل امکان داشته باشد چنین چیزی، نادر است ولی در نظر، هریک از این شقوق سه گانه جایز است.

این بحثی بود که در گذشته بیان کردیم و گفتیم امثال اجمالی از لحاظ جواز در عرض امثال تفصیلی است؛ نه در طول آن - آنچنان که میرزای نائینی می فرماید -.

### مطلب سوم: امثال اجمالی در صورت امکان امثال تفصیلی تبعدی

#### مبنای میرزای نائینی رحمته الله علیه

بحث امروز در مطلب سوم این است که بنابر مبنای محقق نائینی رضوان الله تعالی علیه که امثال اجمالی، در طول امثال تفصیلی است، اگر طولیت را بپذیریم، آیا این طولیت بین امثال اجمالی و امثال تفصیلی تبعدی نیز جاری است یا خیر؟

توضیح آنکه: ما تاکنون که درباره امثال تفصیلی بحث می کردیم. مقصود ما از امثال تفصیلی، امثال مبتنی بر قطع به تکلیف بود و بحث در این بود که کسی که می تواند علم وجدانی به تکلیف پیدا کند؛ آیا می تواند از تحصیل علم وجدانی صرف نظر کرده و از طریق احتیاط، امثال اجمالی کند؟ این بحث سابق ما بود. در اینجا بحث در این است که اگر امثال تفصیلی وجدانی (یعنی امثال تفصیلی مستند به قطع وجدانی به تکلیف) ممکن نباشد و یا اگر ممکن است، حاصل نیست فعلاً؛ بلکه آنچه حاصل است و یا آنچه ممکن التحصیل است، امثال تفصیلی تبعدی است؛ یعنی می توان از طریق اجتهاد یا از طریق تقلید به تکلیفی که با دلیل و حجت ثابت شده است دست پیدا کند؛ منتهی این علم وجدانی نیست؛ بلکه علم تبعدی است؛ یعنی از طریق حجت می تواند به تکلیف تفصیلی خود دست پیدا کند - این حجت چه اماره باشد و چه اصل باشد و چه فتوای مجتهد باشد تفاوتی ندارد. اگر کسی می تواند امثال تفصیلی کند منتها امثال تفصیلی اش مستند به حجت است، آیا می تواند در چنین جایی علی رغم امکان تحصیل علم تبعدی به تکلیف یا بگوید از طریق امثال تفصیلی تکلیف مستنداً به حجیت شرعی، از این صرف نظر کرده و امثال اجمالی را انتخاب کند یا خیر؟

میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیه معتقد است همانگونه که امثال تفصیلی وجدانی بر امثال اجمالی مقدم است، امثال تفصیلی تبعدی نیز بر امثال اجمالی مقدم است. و همانطوری که امثال اجمالی عقلاً از حیث رتبه متأخر از امثال تفصیلی وجدانی است، عقلاً از امثال تفصیلی تبعدی نیز متأخر است؛ بنابراین اگر امکان امثال تفصیلی تبعدی برای عبد وجود داشته باشد، نمی تواند احتیاط کند.

مبنای خود میرزا در تفسیر حجیت در امارات چنین است که حجیت در اماره را به معنای جعل الطریقیه و یا جعل الظن، علماً و یا علم تبعدی می داند و معتقد است دلیل حجیت که اماره - مثلاً خبر واحد - را حجت می کند، خبر واحد را جای علم می نشاند؛ لذا دلیل حجیت امارات، حاکم بر ادله اولیه تکالیف می شود؛ زیرا علم تبعدی ایجاد می کند. بنابراین مبنا در تفسیر حجیت در امارات، این مبنای میرزا در ما نحن فیه قابل توجیه است؛ زیرا وقتی بگوییم که علم

تبعیدی وجود دارد و اینکه اماره‌ای که حجت است، تبعداً علم است، همانطوری که امتثال تفصیلی علمی وجدانی بر امتثال اجمالی مقدم است، امتثال تفصیلی علمی تبعدی نیز بر امتثال اجمالی مقدم خواهد شد.

مرحوم میرزا در دلیل تقدم امتثال تفصیلی بر امتثال اجمالی - همانگونه که در گذشته بیان کردیم - چنین فرمودند که در امتثال امتثالی، انبعاث از خود امرو وجود دارد؛ در حالی که در امتثال اجمالی، انبعاث از احتمال الامر است و تا جایی که انبعاث از ذات الامر ممکن است، نوبت به انبعاث از احتمال الامر نمی‌رسد.

اگر مبنا این باشد که چون احتمال تفصیلی، انبعاث از ذات الامر است و امتثال اجمالی، انبعاث از احتمال الامر است، امتثال تفصیلی، ذاتاً بر امتثال اجمالی مقدم است و تا امتثال تفصیلی ممکن است، نوبت به امتثال تفصیلی نمی‌رسد.

در آنجایی که این امثال تفصیلی تبعدی باشد - یعنی دلیل آمده است که در جایی که تردد بین قصر و اتمام داری، تکلیف توقصر است - اینجا انبعاث تفصیلی از ذات الامر ممکن است؛ [لذا نوبت به امتثال احتمال الامر نمی‌رسد]. در اینجا درست است که علم به ذات الامر وجود ندارد؛ اما آنچه به منزله علم است بر این امر قائم شده است و علم تبعدی به امرو وجود دارد و علم تبعدی، به منزله علم وجدانی است؛ بنابراین مکلف در این صورت، امکان امتثال ذات الامر - ولو ذات الامر ثابت به تبعد - برای او حاصل است؛ لذا نوبت به انبعاث از احتمال الامر نمی‌رسد.

به عبارت دیگر همان دلیلی که در موارد تقدم امتثال تفصیلی وجدانی بر امتثال اجمالی وارد است، همان دلیل در اینجا باعث تقدیم امتثال تفصیلی تبعدی بر امتثال اجمالی می‌شود.

#### اشکال استاد شهید رحمته الله علیه بر کلام میرزا رحمته الله علیه

استاد شهید مرحوم آقای صدر رضوان الله تعالی علیه ایرادی بر فرمایش میرزا دارند که معتقدند که اگر ما فرمایش میرزا را در امتثال تفصیلی وجدانی بپذیریم، این فرمایش را نمی‌توانیم در تقدم امتثال تفصیلی تبعدی بر امتثال اجمالی بپذیریم؛ زیرا در موارد امتثال تفصیلی وجدانی، انبعاث از ذات الامر حاصل می‌شود؛ اما در موارد امتثال تفصیلی تبعدی - یعنی جایی که اماره آمده است و می‌گوید تکلیف تو مثلاً خصوص قصر است - در اینجا چون علم واقعی وجود ندارد، [انبعاث از ذات الامر نیست بلکه باز هم انبعاث از احتمال الامر است؛ زیرا] کاری که دلیل حجیت اماره می‌کند این است که احتمال وجوب را در خصوص قصر منجز می‌کند و احتمال دیگر را از تنجیز می‌اندازد.

توضیح آنکه: وقتی اماره قائم شد که در روز جمعه، خصوص ظهر واجب است؛ اگر این اماره نبود، من احتمال می‌دادم جمعه و یا ظهر واجب است؛ در اینجا دلیلی که حجیت اماره را اثبات می‌کند می‌گوید این احتمال بر تو منجز است؛ به عبارت دیگر: دلیل حجیت، آن احتمالی که با مؤدای دلیل مطابقت دارد را تنجیز می‌کند. این معنای حجیت است. و ما در محل خود بحث کردیم و گفتیم معنای حجیت، منجزیت و معذرت است.

کاری که دلیل حجیت می‌کند، این نیست که برای مکلف، علم تبعدی به تکلیف ایجاد کند؛ بلکه کاری که دلیل حجیت اماره - مثلاً - انجام می‌دهد این است که می‌گوید آن احتمالی که که نسبت به وجود این شق وجود دارد، در حق تو منجز است و نسبت به احتمال دیگر، معذور هستی.

بنابراین در موارد امثال تفصیلی تعبدی نیز انبعاث از احتمال الامر است؛ زیرا دلیل حجیت اماره، احتمال امر را منجز می‌کند و وقتی مکلف به اماره عمل می‌کند، منبعث از احتمال الامر است؛ لکن احتمال منجز، دلیل حجیت، احتمال الامر را به ذات الامر تبدیل نمی‌کند؛ بلکه فقط آن احتمال الامر در حق مکلف منجز می‌شود؛ یعنی اگر این احتمال را ترک کند، عقاب می‌شود؛ اما اگر احتمال دیگر را ترک کند، عقاب نمی‌شود.

خلاصه اینکه گرچه دلیل حجیت اماره، اماره را حجت کرده است؛ اما دلیل حجیت اماره، برای مکلف، علم به تکلیف واقعی درست نمی‌کند؛ و وقتی علم درست نکند، انبعاث مکلف نمی‌تواند از علم باشد؛ بلکه انبعاث او از احتمال الامر است.

#### تعليق ما بر کلام استاد شهید رحمته الله

ما بر فرمایش استاد شهید رضوان الله تعالی علیه تعلیقی داریم. تعلیق ما بر فرمایش استاد شهید این است که این اشکال، اشکال مبنایی است. این اشکال، بر مبنای اختلافی است که در معنای حجیت بین شما و میرزای نائینی وجود دارد.

مبنای میرزای نائینی در حجیت، جعل الطریقه است؛ یعنی جعل الظن، علماً است و یا بفرمایید تکمیل طریقت ظن است و کاری که دلیل حجیت می‌کند، الغای احتمال خلاف در موارد قیام حجت بر حکم است؛ پس این طریقت، طریقت علمی می‌شود؛ لکن طریقت علمی با تعبد. وقتی طریقت، با تعبد و الغای احتمال خلاف به طریقت علمی تبدیل شد، به این معناست که برای این مکلف، دیگر احتمال خلافی وجود ندارد در نظر شارع و وقتی احتمال خلاف وجود ندارد، انبعاث، انبعاث از ذات الامر است.

مبنای شما (شهید) این است که در تفسیر حجیت می‌فرمایید جعل حجیت برای حجت، به معنای تنجیز احتمال تکلیف واقعی است. بنابر مبنای شما، این اشکالی که فرمودید وارد است که دلیل حجیت، کاری بیش از این نمی‌کند که احتمال موافق این حجت را منجز می‌کند؛ و لذا اگر کسی از این حجت منبعث شد، انبعاث از این اماره، به معنای انبعاث از احتمال الامر است؛ اما بنابر تفسیر میرزا در تفسیر حجیت حجت که حجیت حجت را به معنای الغای احتمال خلاف تعبداً و به معنای جعل طریقت تام ولو تعبداً می‌داند، برای مکلفی که چنین حجتی قائم شده، امر معلوم است و علم به امر دارد ولو تعبداً و وقتی علم به امر دارد - ولو تعبداً - انبعاث او، انبعاث از ذات الامر است. کار مبنای میرزا همین است که انبعاث از حجت را، انبعاث از ذات الامر و واقع می‌کند. بنابراین این اشکال بر مبنای میرزا وارد نیست؛ بلکه اگر اشکالی وجود دارد، بر مبنای مرحوم میرزا است.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين